

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱۷۵۳ واژه تخصصی حقوق

(شامل: اصطلاحات، عبارات و واژه های حقوقی)

مناسب برای آزمونهای: کارشناسی ارشد حقوق (کلیه گرایشها)، دکتری حقوق (کلیه گرایشها)

تنظیم: پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی، حق گستر

www.haghgostar.ir

منبع: وب سایت ایران ترجمه

"واژه نامه حقوقی"



-WWW.HAGHGOSTAR.IR

-پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی

-WWW.HAGHGOSTAR.IR

-پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی

بر عکس	Vice versa	اقامه دلیل کردن	Account
در بر گرفتن	Contain	در حالیکه	While
متهم	Defendant	در عین حال	Yet
نتیجه	Consequence	بر خلاف	Contrary
صلح عمومی	Queen's peace	دقیق بودن	Accurate
مقایسه	Contrast	مشخص کردن - تشخیص دادن	Identifies
مقاربت جنسی	Sexual intercourse	بایستی - باید	Ought
رضایت	Consent	مقدمه	Introduction
جرائم رفتاری	Conduct crimes	مشهور - رایج	Popular
نامیدن	Termed	توضیح	Illustrating
ارادی	Voluntary	دلایل	Reasons
عمدی	Willed	سیستم دادرسی کیفری	Criminal justice system
مورد تمایل	Deliberate	اعتقاد	Belief
مطرح شدن - باعث شدن	Rise	باقی ماندن	Beheld
دیدگاه	Position	مسوول	Responsible
موجب شدن - جذب کردن	Attract	دست زدن	Engage
دیدن	Watches	سزاوار بودن	Deserving
نا آشنا	Stranger	رفتار قابل سرزنش	Blame worthy manner
غرق شدن	Drown	تقصیر	Fault
محض	Pure	عمومی	Universal
قصور	Fails	نظریه	Notion
روی دادن - رخ دادن	Arise	سرتاسر	Throughout
اعمال شدن	Applies	زیر	Following
قراردادی	Contractual	اصل بنیادین	Principal maxim
مدنی - شبه جرم	Tortious	ارائه دادن	Present
قانون	Legislation	عمل کردن	Treated
علیت	Causation	محتاطانه	Cautiously
پیوسته	Un broken	اشاره	Implied
مرحله	Stages	بالا	Above
وارد شدن	Approached	گمراه کننده	Misleading

ذهنی	Subjective	احراز کردن - اثبات	Establish
برجسته	Highlights	اعمال شدن - برقرار شدن	Applying
دقیق	Precise	مگر به خاطر	But for
تغییر کردن	Varies	قصد داشتن	Intended
تشکیل دادن	Incorporate	زیاد	Too
سهو بی تقصیر	Blameless in advertence	فاصله	Remote
به ندرت	Rarely	شخص ثالث	Third party
بررسی کردن	Examine	مداخله کردن	Intervene
متمرکز شدن	Concentrate	سلسله علیت	Chain of causation
قصد	Intention	تنها	Sole
موضوع	Issue	کمک کردن - شرکت کردن	Contribution
معیار	Test	میزان	Degree
قصد مستقیم	Direct intention	مطرح شدن	Raises
مسلم	Certain	بیان شده	Stated
قصد غیر مستقیم	Oblique intent	مهم	Significant
نظر - تدبیر	Discretion	ایجاد کردن	Bringing
استنباط	Infer	قوی	Potent
مسلم - محرز	Confirmed	ناچیز - جزئی	Negligible
تمایز	Distinguish	ویژگیها	Characteristic
انگیزه	Motive	غیر معمول - غیر طبیعی	Unusual
تمایل	Desire	اجتناب - فرار از	Avoid
کشتن دلسوزانه	Mercy killing	استناد کردن	Rely
زیاد - افراطی	Overdose	دانستن	Held
خویشاوند	Relative	در صدد بر آمدن	Seeking
دارو	Medication	فرار	Escape
رها کردن - تسکین دادن	Relive	مشروط به اینکه	Provided
درد و رنج	Suffering	حالت - کیفیت	State
اثبات	Proof	عنصر ذهنی یک جرم، قصد مجرمانه	The mens rea
غیر موجه	Unjustified	حالت خاص	Particular state
مشخص	Decided	تأکید	Emphasis

از ابتدا	Outset	عینی	Objective
اصل رابطه	The transaction principle	سلب مسئولیت	Avoid liability
یک سری - دسته	Series	استدلال	Arguing
عملیات واحد	Single transaction	ذهنی	Subjective
ارتکاب	Transaction	موجه	Justified
فاصله محسوس	Appreciable interval	ادراک	Perception
سوء نیت انتقالی	Transferred Malice	مربوط	Relevant
فقره	Item	تکلیف	Deciding
اتلاف	Loss	ناشی شدن	Flow
هدف	Aims	توسعه	Developed
ضربه زدن	Blow	واقعا	Essentially
برخورد کردن	Strikes	فکر	Thought
قربانی مورد نظر	Anticipated victim	بدیهی	Obvious
مانع شدن	Preventing	توسعه	Extended
پرتاب کردن	Throws	قتل غیر عمد	Manslaughter
موثر	Operate	اغلب	Frequently
مطرح کردن - اقامه کردن	Raise	اظهار شده	Expressed
اتهام	Charge	نا مطلوب	Undesirability
حمله	Assaulting	عضو	Limb
مسئولیت بدون تقصیر در حقوق جزا	Strict Liability in the Criminal Law	خسارت جزایی	Criminal damage
مسئولیت مطلق	Strict liability	استثناء	Except
عامل	Element	عمدا	Intentionally
تملك	Possession	ارتباط	Relationship
مال ممنوع شده	Substance	مورد توجه قرار دادن	Consider
کفر آلود	Blasphemous	اجازه دادن	Allowed
افترا	Libel	انعطاف	Flexibility
تفسیر	Interpreting	متقاعد کردن یا بر آوردن	Satisfying
عدم تمایل	Reluctance	جرایم مستمر	Continuing offences
مایل بودن	Wishes	ماهیت	Nature
ایجاد کردن	Create	ارتکاب	Commission

قابل اعتراض	Objectionable	وضع کردن	Imposition
فاقد	Serves no	متمرکز	Focus
تبعیت کردن	Comply	موضوع	Issues
بد نامی، بد نام سازی	stigmatization	راهنما	Guidance
دلایل موافق	Arguments for	شناسایی	Identification
مطلوب	Desirable	قانونی	Statutory
جمعی	Collective	ارائه دادن - تهیه کردن	Provided
مهم تر	Outweighs	نفع	Favor
وضع	Imposition	تفسیر	Interpreting
مثبت	Positive	قابل تغییر	Displaced
منفی	Negative	در نظر گرفتن	Intended
اجتناب - فرار	Avoid	بحث کردن	Deals
عدم اطاعت	Non-compliance	نحوه بیان	Wording
پیچیدگی ها	Complications	گونه ها	Interpreted
جستجو	Seeking	زمینه	Contexts
اثبات - احراز	Establish	تعیین کننده	Decisive
مشترک	Corporate	تمایل	Tended
مربوط	Relevant	کشیدن	Draw
حکم	Sentencing	تنظیم	Regulated
مطلق	Absolute	مناسب	Appropriate
فهرست شده	Outlined	تقسیم شدن - واقع شدن	Fall
دفاع	Defense	امور تنظیمی	Regulatory
کوشش پیوسته مقتضی	Due diligence	شبه جرم	Quasi-crime
اقدام احتیاطی	Precautions	خطر	Danger
به طور موثر	Effectively	محیط زیست	Environmental
استثنایی	Exceptional	آلودگی	Pollution
گسترده	Extensive	نشان دادن	Represents
جنون	Insanity	انحراف قابل توجه	Significant departure
مستی	Intoxication	تأمل	Considered
اکراه	Duress	دلایل مخالف	Arguments against

جهت	Way	عام	General
مسلوب الاراده غير مجنون	Non – Insane Automatism	دفاعيات	Defenses
غير مجنون	Non insane	اشتباه	Mistake
ارادى	Voluntary	عدم اهليت	Incapacity
انسان بى اراده	Automaton	تهديد	Threats
اساسى	Essential	دفاع از خود	Self – Defense
حالت	State	غير مجنون	Non – Insane
خارجى	External	اوضاع واحوال	Circumstances
درونى	Internal	رضائت	Consent
مسلوب الارادگى	Automatism	مسلوب الارادگى، فقدان قصد	Automatism
ارتكاب	Committing	اثبات	Proof
تصورشدن	Be held	مطرح کردن	Rise
ناميده شدن	Termed	وضع، مورد	Case
تمايز، تفاوت	Distinction	برجسته	Highlights
رنج بردن	Suffered	اعمال	Actions
استدلال	Argues	قابل بخشش	Excusable
آگاهى	Conscious	تشكيل ندادن	Not form
در خصوص، قلمداد کردن	Regarding	موجه	Justified
تمايز	Distinguish	ارتكاب	Commission
بين	Between	نظر اول	Prima facie
كمى قند خون	Hypoglycemic	اثبات، احراز	Establishing
دارو	Medication	اهميت	Importance
محسوب شدن، قلمداد کردن	Regarded	اختيارى، ارادى	Voluntarily
مناسب	Appropriate	لازم	Required
پيشين	Earlier	رد کردن	Rebut
دارو	Drug	تشكيل	Formation
بيهوشى	Black out	متهم	Defendant
به موقع	Properly	اثر، کارکرد	Operation
در مقايسه	By contrast	خطا، تقصير	Fault
نسبت داده مى شود	Attributed	تشكيل دادن	Form

در مورد	Dealing	اظهار و نظر قضایی	Dicta
نظارت و کنترل کردن	Governed	مجنون	Insane
اثبات کردن	Show	مصرف	Consumption
مبتلا، دچار بودن	Suffering	به خاطر	Through
بیماری ها	Diseases	مصرف نکردن	Not taking
ماهیت	Nature	اتفاق افتاد	Occurred
نقص عقلی	Defect of reason	از این رو	Hence
روان	Mind	به رغم	Despite
شرایط، چگونگی	Quality	راه رفتن در خواب	Sleep walking
باعث شدن	Caused	“ترجیها	Rather
بیماری روانی	Diseases of mind	رفتار خودش	Self – induced
اشتباه	Wrong	خطرناک	Dangerous
برخی تعاریف	Some definition	پزشکی	Medical
نقص عقلی	Defect of reason	روانی	Mental
قدرت	Power	تبرئه	Acquittal
محدود	Limited	قابل توجه، کامل	Considerable
درونی	Internal	تبرئه	Discharges
عملکرد	Function	توقیف، نگهداری	Detention
تصور، نظریه	Notion	زمینه	Context
مربوط بودن	Refers	موقعیت ها	Situations
وضعیت، حالت	Status	معلولیت	Infirmity
مبتلا شدن، دچار شدن	Suffering	موفقیت آمیز	Successfully
مطلقا، کامل	Totally	اجازه دادن	Allow
استدلال	Reason	تصمیم گیری	Discretion
شناخته شده	Recognized	قاعده، مقررات	Rules
تصلب شراین	Arteriosclerosis	مفهوم حقوقی	Isa legal
خواب گردی	Somnambulism	تعیین شده	Designed
حامل می شود	Met	مسئول	Responsible
توهمات	Delusions	حکم	Verdict
محروم بودن	Deprived	دادگاه	Court

واحد و تنها	Single	بیماری	Disease
بعدی	Following	معیوب می کند	Impairs
اجتماعی	Social	صرع	Epilepsy
قضایی	Judicial	بسیار گسترده	For broader
توقیف	Detention	اخلاق	Moral
تهدید	Threat	بیهوش	Unconscious
بر آمده	Evolved	ماشینی	Automation
نامطلوب	Undesirable	زمینه	Context
روش	Approach	صحت	True
منتج شدن	Resulting	رابطه میان مسلوب الارادگی و جنون	The Relation Ship Between Automatism and Insanity
همه بخشها	All wing	جنون	Insanity
بهترین	Appropriate	تبرئه	Acquittal
ملاحظه	Consideration	هدف	Purpose
گزارشات	Reports	شرایط	Condition
قانونی	Legislative	خطر	Danger
مسئول	Responsible	تمایز	Distinction
متأسفانه	Unfortunately	پشت	Behind
به هر منظور	Implement	ایجاد کردن	Represent
صرع	Epilepsy	عمومی، اجتماع	Public
وضعیت	Situation	پیشین، تشکیل دهنده	Former
ممکن	Might	حکم خاص	Special Verdict
گناهکار	Guilty	اجازه دادن	Allow
اختیار	Discretion	دائمی، مستمر	Continuing
ارتباط	Deal	برای آزاد شدن	To go free
پزشکی	Medical	توقیف کردن، اجازه دادن	Permitting
روشن	Clear	کماکان	Remain
به جای اینکه	Rather than	اصول	Principles
اشتباه	Mistake	سیاست	Policy
اموال، دارایی	Property	رده بندی	Categorization
صداقت	Honest	ناپایدار	Unsustainable

مسئولیت	Liability	مدنی	Civil
مسئولیت مطلق	Strict Liability	مالکیت	Ower ship
مستی	Intoxication	اشتباه حکمی	Mistake of low
مستی	Intoxication	نظریه	Position
مطرح کردن	Raises	بی مبالاتی، بی احتیاطی	Recklessness
اصل	Principle	احتمال	Likely
مرتکب، مجرم	Offender	غفلت	Negligence
به آسانی	Simply	موضوعی	Fact
حل کردن	Resolve	سرقت	Theft
وضع دشوار	Dilemma	متعلق	Belonging
موضوع	Matter	تصور، اعتقاد	Belief
اجتناب	Avoid	درباره	Concerning
قادر بودن، توانایی	Able	استدلال	Argue
مانع شدن	Prevent	متعارف	Reasonable
توسعه دادن	Developed	احراز، اثبات	Established
تا اندازه ای	Partly	هیئت منصفه	Jury
اشتباه	Wrong	اعطا کردن	Invest
مسئولیت پذیری	Responsibility	موثر	Operate
تلاش	Attempt	مناسب	Appropriates
مبنی بر	Based	دیگری	Another
نوع	Type	تلقی کردن، قلمداد کردن	Regarding
مستی غیر ارادی	Involuntary intoxication	انتقال دادن	Transfer
مجبور بودن	Forced	عقیده داشتن	Believed
ماده	Substance	کنونی	Peresent
نا آگاهی	Ignorance	شخصی	Subjective
در نظر گرفتن	Account	کمتر	Less
خوردن	Consume	نوعی	Objective
بر خلاف	Against	بشر	Man
ویژگی ها	Properties	جرم	Offence
مست کننده	Intoxicating	مطلق	Strict

اعمال شدن	Effect	کامل	Complete
ایجاد کردن	Provide	قدرت	Strength
ارائه دادن	Induce	مستی ارادی	Voluntary intoxication
تجویز	Prescribed	آگاهی	Knowing
تعقیب	Pursuance	اجازه دادن	Allowed
آرام بخش	Sedative	قصد عام	Basic intent
خطر	Risk	ادامه می یابد	Extends
پرخاشگرانه	Aggressive	قتل غیر عمد	Manslaughter
ماده	Substance	شدن	Becomes
عدم اهلیت	Incapacity	هوشیار	Sober
نظریه	Position	مانع، باز می دارد	Prevent
در خصوص	Regarding	همدردی	Sympathy
صغار	Minors	قتل عمد	Murder
مصوب	Act	به منظور	In order
فرض می شود	Presumed	موانع	Inhibitions
تشکیل	Forming	انجام	Carrying
دادگاه	Court	کماکان	Still
محلی	Local	قصد خاص	Specific intent
مقامات	Authorities	اقدامات	Attempts
قدرت، اختیارات	Powers	از جمله	Including
رسیدگی	Deal	شجاعت	Dutch courage
به علاوه	Furthermore	غلبه	Overcome
مرتکب شدن	Commit	درمان پزشکی صادقانه	Bona fide medical
تحریک	Instigation	صادقانه	Bona fide
بزرگسال	Adult	نسخه	Prescription
مسئول	Liable	متعادل کننده	Stabilizing
به خاطر	Through	ماده	Substance
بی گناه	Innocent	غیر قابل انتظار	Unpredictable
نماینده	Agency	مربوط	Concerned
اعمال شدن	Effect	درمان	Treatment

بخش دوم واژه های حقوقی- 2- Juridical terms

		لغو	Abolition
		فرض	Presumption
		توانایی تشخیص خوب از بد	Doli incapax
		بی نظمی	Disorder
		انتظار	Expected
		مهم	Important
		اختلافات	Differences
		شیوه ها	Approaches
		مجرمان	Offenders
		اکراه	Duress
		دفاع	Defense
		مجبور	Forced
		معروف، دانستن	Known
		تهدید کننده	Threatener
		ترس	Fear
		جدی	Serious
		روش	Way
		آسیب	Injury
		متعارف	Reasonable
		داشتن	Sharing
		تأثیر	Influence
		قرار گرفتن، بر روی	Upon
		واکنش	Responded
		متفاوت	Differently
		در دسترس، مفید	Available
		هدف	Aimed
		وظیفه	Duty
		حمایت	Protect
		وضوح	Obviously
		مقتضی	Appropriate

بخش سوم - 3- Juridical terms

نگه داشتن	Keeping	نظر مخالف	Dissenting
معامله	Dealing	اتخاذ کردن	Took
ابتدا	Initially	نظر	View
قرض گرفتن	Borrows	با وجود اینکه	Notwithstanding
فروختن	Sells	درست، کامل	Quite
پس دادن، برگرداندن س	Returning	اکثریت	Majority
غیر منقول	Personal	پذیرفتن، اتخاذ کردن	Adopted
حقوق دینی	Intangible property	تفسیر	Interpretation
اطلاق کردن	Refers	پارلمان	Parliament
بدهی	Debt	آشکار کننده	Revealed
حق تألیف	Copyright	مراجعه	Reference
سرقت	Stolen	حدس	Guess
زمین	Land	بسیار وسیع	Broadest
جدا شده	Severed	دلیل	Ratio
از	From	بالقوه	Potentially
امین، متولی، تراست	Trustee	وضعیت، حالت	State
نماینده	Representative	قلمرو پرونده	Precise scope
اقدام، معامله	Deals	معتبر	Valid
تعهدات	Obligations	هدیه	Gift
تحمیل شده	Imposed	در جایی که	Whereas
متصرف	Possession	تحصیل، به دست آوردن	Procured
زراعت	Cultivated	کلاه برداری	Fraud
میوه	Fruit	ناروا	Undue
چیدن	Picked	اعمال نفوذ	Influence
تجاری	Commercial	بی تقصیر	Innocently
مستأجر	Tenant	سرقت کردن	Stealing
ثابت	Fixture	بعدا	Subsequently
منظمات	Structure	فرض کردن	Assumes
مورد اجاره	Let		
فروختن	Sells		

درست کار	Honest	باغ	Garden
نامربوط	Irrelevant	سر پوشیده	Shed
دائمی	Permanently	گلخانه	Greenhouse
بی اهمیت	Immaterial	متصرف	Possession
قصد	View	حق تقدم	Proprietary right
سارق	Thief	منافع	Interest
منفعت	Benefit	گاراژ	Garage
قصد	Intends	پرداخت	Paying
دائمی	Permanently	تعمیرات	Repairs
سوء نیت	Malice	تراست	Trust
از بین بردن	Destroys	تراست	Beneficiaries
اندوخته	Treasured	متعهد	Obligation
برداشتن، تصرف	Possession	نگهداری	Retain
عقیده	Point	دریافت کردن	Receives
اعاده، بر گرداندن	Return	هم اتاقی ها	Flatmates
استثناء	Except	پرداخت	Pay
در اختیار داشتن	Treats	خانه	Household
مستعد کردن، آماده کردن	Dispose	صورت حساب	Bills
بدون توجه	Regardless	خرج کردن	Spends
قرض گرفتن	Borrowing	اعاده	Restoration
قرض گرفتن	Lending	دستمزد	Wages
معادل، برابر	Equivalent	کارفرما	Employer s
کامل	Outright	ارائه	Provide
از دست دادن	Disposal	تعریف	Definition
هفتگی	Weekly	محروم کردن	Deprive
بلیط	Pass	استثناء	Except
برگرداندن	Returns	تراستی	Trustee
انقضای مدت	Expired	نماینده	Representative
اعتبار	Value	دریافت کردن	Discovered
بلیط	Pass	معیارهای عادی	Ordinary standards

ورود	Entry	مبهم	Problematic
گیر افتادن	Stuck	بعدا	Subsequently
طبقه پایین	Downstairs	واگذاری، اعراض کردن	Abandons
بازو	Arm	بخش، پاره	Parts
به سختی	Hardly	شرایط	Condition
جزئی	Slight	جدا کردن، رها کردن	Perform
ورود	Entered	اجرا کردن	Pawns
سرقت	Steal	سرقت	Robbery
وارد کردن، ایراد	Inflict	حکم	Sentence
شروع	Attempted	قرار دادن	Putting
ایراد، وارد کردن	Inflicting	به دنبال	Seeking
مسکن	Dwelling	قرار دادن س	Put
کشتی	Vessel	زور	Force
وسیله نقلیه	Vehicle	ترکیب شدن	Combined
خانه قایقی	Houseboat	موقعیت	Placed
مسکونی	Residential	فوری س	Immediate
تحصیل	Obtaining	ورود غیر مجاز به ملک دیگری	Burglary
فریب، خدعه	Deception	مسکن	Dwelling
مالکیت	Ownership	ورود	Entering
تصرف	Possession	ساختمان	Building
قادر ساختن	Enabling	متجاوز	Trespasser
نگهداری	Retain	اجازه	Permission
تفاوت	Difference	عمل، رفتار	Manner
در حالی که	Whereas	خریدار	Shopper
بعد از	Since	تغییر مکان	Moves
در نظر گرفتن	Longer holds	کارگاه	Shop Floor
متقلبانه	False	فضا	Space
اظهار	Representation	انبار	Stockroom
صریح	Express	اساسی، قابل توجه	Substantial
ضمنی	Implied	موثر	Effective

پیش خدمت	Waiter	قادر ساختن	Enable
معافیت	Exemption	استثناء	Exception
کاهش	Abatement	انتقالات	Transfers
کاهش	Reduction	به اشتباه افتادن	Deceived
تخفیف	Discount	مقدم بودن	Precede
قابل اجرا	Enforceable	عمدی	Deliberate
نکول دائمی، قصور دائمی	Permanent default	فریب دهنده	Deceiver
طلبکار	Creditor	مبهم	Ambiguous
چک بدون محل	Dud cheque	درک شد، مستفاد، معلوم	Understood
غلبه کردن	Overcome	مفهوم	Sense
مدت	Term	به دست آوردن	Obtaining
نقدینگی	Cash	اعطا کردن	Conferring
بدست آوردن	Making	منفعت	Benefit
کالای ارائه شده	Supplied	اجازه	Permitting
توقع داشتن	Expected	پرداخت	Paid
در محل پرداخت	On the spot	پرداخت	Payment
غذا	Meal	قابل اجرا	Enforceable
سلمانی	Haircut	فرار، اجتناب	Evading
آرایشگاه	Barbers	فرار، اجتناب	Evasion
قابل اجرا	Enforced	تضمین	Securing
اطلاعیه	Notice	وادار کردن	Persuades
عادت	Custom	بخشیدن	Release
عرف	Practice	بدهی	Debt
عذر، مجوز	Excuse	القا کردن	Inducing
عامدانه	Intentionally	طلبکار	Creditor
مسأله نژادی	Racially	صبر کردن	Wait for
شدیدتر	Aggravated	صرف نظر کردن	Forgo
خسارت	Damage	قصور، نکول	Default
تخریب	Destroy	صرف نظر کردن	Forgoing
متحمل شدن	Suffers	ادعا	Claiming

تحریک	Instigation	نقص	Impairment
مطلوب	Desirable	بدتر شدن	Deterioration
اختیار دادن، قادر ساختن	Enables	هزینه	Expense
دخالت	Intervene	حد اقل	Minimal
ممانعت	Prevent	اقدام	Effort
طراحی شده	Planned	جبران	Remedy
شروع به جرم	Attempt	اموال عینی	Tangible property
تدارک	Preparatory	حفاظت	Custody
اختصاری	Summary	بدیهی	Obviously
فرعی	Secondary	ذیحق	Entitled
مشمول	Covered	حفظ	Protect
صرف	Mere	انتخاب	Adopted
شروع کردن، مبادرت	Embarked	شدید	Aggravated
مناسب	Proper	قصد	Intending
در نهایت	Ultimately	به وسیله آن	Thereby
موضوعی	Question	به خطر انداختن	Endanger
تصمیم گیری	Decide	“عمدتا	Essentially
قانون	Act	علاوه بر	Addition
محکومیت	Convicted	ایجاد حریق عمدی	Arson
جرم تام	Full offence	شروع به جرم	Attempt
جیب بر	Pickpocket	تحریک	Incitement
خالی	Empty	توطئه	Conspiracy
نسبتا	Somewhat	اصلی	Principal
شگفت آور	Bizarrely	فرعی	Secondary
سریعا	Rapidly	مجرمین، مرتکبین	Offenders
برگشت پذیر، نقض شد	Reversed	مقدماتی	Preliminary
پیرامون	Surrounding	نامیدن	Called
تحریک، اغوا	Incitement	جرائم ناقص	Inchoate offences
تحریک کردن	Incite	مربوط	Concern
تحریک	Instigation	مقدمات	Preparation

تحریک	Instigation	نقص	Impairment
مطلوب	Desirable	بدتر شدن	Deterioration
اختیار دادن، قادر ساختن	Enables	هزینه	Expense
دخالت	Intervene	حد اقل	Minimal
ممانعت	Prevent	اقدام	Effort
طراحی شده	Planned	جبران	Remedy
شروع به جرم	Attempt	اموال عینی	Tangible property
تدارک	Preparatory	حفاظت	Custody
اختصاری	Summary	بدیهی	Obviously
فرعی	Secondary	ذیحق	Entitled
مشمول	Covered	حفظ	Protect
صرف	Mere	انتخاب	Adopted
شروع کردن، مبادرت	Embarked	شدید	Aggravated
مناسب	Proper	قصد	Intending
در نهایت	Ultimately	به وسیله آن	Thereby
موضوعی	Question	به خطر انداختن	Endanger
تصمیم گیری	Decide	“عمدتا	Essentially
قانون	Act	علاوه بر	Addition
محکومیت	Convicted	ایجاد حریق عمدی	Arson
جرم تام	Full offence	شروع به جرم	Attempt
جیب بر	Pickpocket	تحریک	Incitement
خالی	Empty	توطئه	Conspiracy
نسبتا	Somewhat	اصلی	Principal
شگفت آور	Bizarrely	فرعی	Secondary
سریعا	Rapidly	مجرمین، مرتکبین	Offenders
برگشت پذیر، نقض شد	Reversed	مقدماتی	Preliminary
پیرامون	Surrounding	نامیدن	Called
تحریک، اغوا	Incitement	جرائم ناقص	Inchoate offences
تحریک کردن	Incite	مربوط	Concern
برانگیختن	Instigate	مقدمات	Preparation

معاونت کردن	Abets	مشاوره	Advice
مشورت کردن	Counsels	تشویق	Encouragement
تهیه و تدارک کردن	Procures	وادار کردن	Persuasion
جرم قابل تعقیب	Indictable offence	اجبار	Compulsion
محاکمه	Tried	نوشتاری	Writing
مجازات	Punished	گفتاری	Speech
بر خلاف	Unlike	واقع شدن	Carried
جرائم مقدماتی	Preliminary offences	تباهی، جریحه دار کردن	Outrage
تهیه و تدارک	Procuring	عفت عمومی	Decency
معاونت	Aiding	اعمال	Pursue
شرط	Provision	هماهنگی	Accordance
اساسی	Material	عمل، امر	Fact
کمک	Assistance	توطئه گر	Conspirator
آگاه	Aware	دست یافتن	Reached
نا شناخته	Unknown	حداقل	At least
به اشتباه انداختن	Trips	چرخ وار	Wheel
مأمور پلیس	Police officer	زنجیره ای	Chain
مداخله	Intervene	همسر	Spouse
مشارکت	Abetting	مشارکت	Participation
داد زدن	Shouts	ارتکاب	Commit
حمله	Assaulting	مجرمان اصلی	Principal offenders
مشورت، مشاوره	Counseling	مشارکت	Contribution
قبل	Prior	تهیه کننده	Supplies
تدارک	Procuring	اسلحه	Gun
الکل اضافی	Excess alcohol	سرقت	Robbery
قادر	Capable	مجرمین فرعی، تبعی	Secondary offenders
داخل شدن	Engaged	معاونان	Accessories
محدوده	Range	شریکان	Abettors
مورد نظر	Contemplated	اصلاح شده	Amended
نگهداری، توافق	Keeping	کمک کردن	Aids

کاهش یافتن	Declined	مزاحم شدن	Disturbed
ویژه	Particularly	جریان	Course
جرائم هولناک	Horrifying crimes	خشونت	Violence
قصد داشتن	Intended	نوع	Type
جلوگیری	Discourage	درجه	Degree
بیشتر	Further	معاونت	Assistance
جنبه	Aspects	تشویق	Encouragement
بازدارندگی فردی	Individual deterrence	روشن	Unequivocal
امید بخش	Hoped	خنثی، سیاست بی طرفی	Neutralize
بازداشتن، ترساندن	Deter	سیستم عدالت کیفری	Criminal justice system
تکرار جرم	Re-offending	تشخیص، شناسایی	Identify
هیجان	Heat	اهداف	Aims
لحظه ای	Moment	مجازات	Punishment
مستی	Intoxicated	دیدگاه	Approach
فرصت طلب	Opportunistic	محکومیت	Sentencing
ملاحظه کردن	Considered	ارزیابی	Evaluate
تأکید زیاد	Over – Emphasis	تأثیر	Effectiveness
چگونگی	Quality	دست یافتن	Achieving
ملاحظه کردن	View	جلوگیری	Discourage
احتمال	Likelihood	ارضاء کردن	Satisfy
حصول	Caught	درگیر شدن، متعهد کردن	Engage
طراحی شدن	Designed	سزاوار بودن	Deserve
جلوگیری	Discourage	صحیح	Correct
اعاده وضع	Rehabilitating	نتیجه	Outcome
روند کلی قانون مند اجتماعی	Law- abiding mainstream of society	اقدام جنایی	Criminal activity
شخصیت	Character	کیفر، جزا	Retribution
مشخص	Identifiable	انتقام	Revenge
رژیم	Regime	سزاوار بودن	Deserves
شناسایی	Addresses	اصلاح کننده ای	Cathartic
رفتار	Behavior	کیفری	Retributive

راهبردها	Strategies	تناسب	Proportionality
اعلام عمومی	Publicity	ترکیب کردن	Incorporated
آگاهی دادن	Informing	شدت	Severity
سیستم آموزش	Education system	توجیه شدن	Justified
ضروری	Vital	تقصیر	Fault
موفقیت	Success	منعکس کردن	Reflect
آگاهی	Enhances	در نظر گرفتن	Perceived
فوریت	Promptness	به حد افراط	Excessively
کارایی	Efficient	خشن	Harsh
کشف	Detection	اکراه، بی میلی	Reluctance
پیوستگی	Association	تعقیب	Prosecute
در میان	Amongst	محکوم کردن	Convict
دیدگاه	Approach	بی اعتبار	Disrepute
دادگاه ها	Courts	تناسب	Proportionality
نظارت کردن	Governed	جلوگیری، ترساندن	Deter
“اساسا	Primarily	ضروری	Essential
اختیارات	Powers	حفظ اعتماد عمومی	Maintaining public confidence
مجرمین بزرگسال	Adult offenders	ضمنی	Implicit
مطرح کردن	Refers	عادلانه	Just
مجازات توقیفی	Custodial sentences	کیفر	Retribution
صادر کردن	Pass	قطعی تر	More certain
جدی، مهم	Serious	جنبه، انتظار	Prospect
خشونت	Violent	قوی تر	Stronger
محافظت	Protect	بازدارندگی	Deterrent
ارزیابی	Assessment	شدید	Severe
در نظر گرفتن	Account	بعید بودن	Unlikely
مشده	Aggravating	استدلال	Argue
مخففه	Mitigating	سرمایه گذاری	Investment
محکومیت های قبلی	Previous convictions	برقراری نظم در جامعه	Policing
مدت	Length	جلوگیری	Prevention

مؤسسات	Institutions	متناسب	Commensurate
زندان بزرگسالان	Adult prison	مدت طولانی تر	Longer term
دریافت کردن، به دست آوردن	Obtain	اظهار داشت	Stated
رژیم درمانی	Treatment regime	“اساسا	Primarily
مجازات های حداقل و اجباری	Minimum and Mandatory Sentences	عبارت	Phrase
اجباری	Mandatory	تناسب	Proportionality
قاچاق	Trafficking	اصلي	Central
خانواده	Domestic	رويه جاري	Current practice
عدول کردن	Depart	مجازات اجتماعي	Community sentences
دیدگاه	Approach	قابل توجه	Justified
انتقاد کردن	Criticize	تعليق	Probation
دخالت	Interfering	محدوديت	Restriction
صلاحديد	Discretion	فائل شدن	Liberty
الزامات جرم	Offence demands	جریمه	Fines
استماع دادرسی	Heard	راه ديگر اينکه	Alternatively
تناسب	Proportionality	علاوه بر	Addition
برجسته	Highlights	منعكس کردن	Reflect
توانایی	Potential	مالي	Financial
محدود کردن	Conflict	مجازات های گوناگون	Miscellaneous sanctions
تعقيب	Pursuit	علاوه بر	Addition
قوه قضائيه	Judiciary	گزينه	Options
تأثير بخشی سیستم عدالت کیفری	The effectiveness of the criminal justice system	جریمه، مجازات مالي	Sanction
عدالت	Justice	خسارت	Compensate
بيان شده	Expressed	جرائم مواد مخدر	Drugs offences
محدوده، دامنه	Range	مصادره	Confiscate
مجازات	Sanctions	دارایی	Assets
آمار رسمي	Official statistics	به دست آمده	Gained
نشان دادن	Reveal	مجرمان جوان ومجرمان رواني	Youth offenders and Mentally offenders
تقریبی	Approximately	بازداشت	Detention
درصد	Percent	آموزش	Training

اساسی	Fundamental	آزادی	Release
تجدید نظر	Review	ضعف	Weaknesses
چهارچوب	Framework	اعاده وضع	Rehabilitation
آموزش، راهنمایی	Guide	فقدان	Lack
محکومیت	Sentencing	آزادی	Release
اختیارات	Options	جنبه	Respect
مناسب، مقتضی، حصول	Meet	قابل ملاحظه	Considerably
پوشش دهی	Overarching	ارزان تر	Cheaper
هزینه ها	Costs	اجرا	Implement
نسبی	Relative	باقی ماندن	Remain
تأثیر بخشی	Effectiveness	مالی	Financial
کاهش	Reducing	هزینه ها	Costs
محکومیت های رایج	Current Sentencing	حبس	Custody
احتمالی	Likely	توجه	Attention
اثر	Impact	مورد توجه قرار دادن	Acknowledging
پیشنهاد	Recommendations	گسترش یافتن	Developed
دوره	Terms	ناهنجاری ها	Disorders
هزینه ها	Costs	زمینه	Context
جمعیت زندانی ها	Prison population	پیچیده	Complex
تجدید نظر	Review	سیاسی	Political
تعیین	Identify	تمایل	Predisposition
انعطاف پذیر	Flexible	به سمت	Towards
مدیریت	Management	اعتراض خشونت آمیز	Violent protest
مرتبط شدن	Link	در نظر گرفتن	Light
کاهش	Reduction	نگرانی های مختلف	Various concerns
حمایت	Sustain	محکومیت مجدد	Reconviction
اعتماد	Confidence	زود رس	Rates
حمایت	Protect	فقدان	Lack
نتیجه گیری	Conclusion	اعتماد عمومی	Public confidence
روند	Process	مدیریت، هدایت	Conducting

فصل	Chapter	شدت	Severity
توضیح دادن	Describe	ارتباط نزدیک	Closely related
مفهوم	Concept	تخلف	Fault
شرط یا لزوم	Requirement	حفظ	Maintain
علیت	Causation	اعتماد عمومی	Public confidence
انطباق	Coincidence	تکمیل	Implementing
سوء نیت انتقالی	Transferred Malice	راهبرد ها	Strategies
ارزیابی	Evaluate	خاص	Individual
نقش	Role	زمینه ها	Context
مسئولیت مطلق	Strict Liability	نگرانی ها	Concerns
ارائه	Produce	مطلوبیت	Desirability
جامع	Comprehensive	اجباری	Mandatory
تعریف	Definition	تأیید	Acknowledging
امنیت	Security	بازداشت	Custody
ضد اجتماعی	Anti- Social	شدت	Severity
به اندازه کافی	Sufficiently	اموال	Property
مداخله	Intervention	هر دو	Both
شق دیگر	Alternatively	فصل	Chapter